

کینه ورزی سکولاریستی

کینه ورزی سکولاریستی

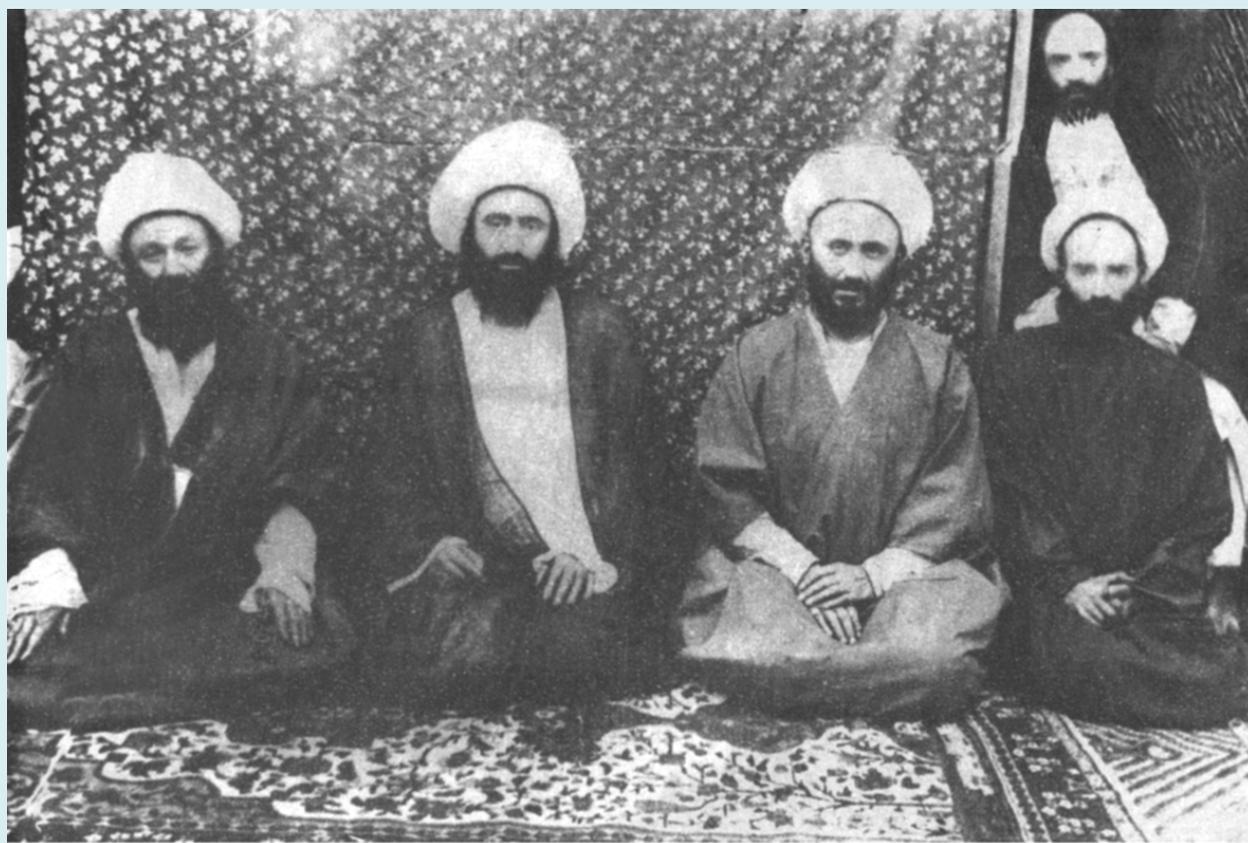
کینه ورزی سکولاریستی

۳۶

مشروطه خواهی در اسپهان رویه ملابازی داشت. و اسپهانیان بیش از همه به کارهای بیهوده و نمایشهای خنک می پرداختند. چنانکه گفتیم چون پسر رحیم خان در قره داغ به آشوب پرداخت و کسانی از روستاییان بیگانه کشت و این گفتگو جنبش تهران را پدید آورد. در بسیاری از شهرها به نام کشتگان یا به گفته خودشان بنام شهدای

شهرهای ایران به یک گونه نمی بود و در هر شهری از روی کمی و بیش آگاهیها و سستی یا استواری خوبیها و بودن و نبودن پیشروان شاینده جنبش رنگ دیگر می داشت. و در اسپهان پیشتاز جنبش ملایان به ویژه حاجی آقا نورالله و آقاجفی بسیار چیره می بودند. و در همه چیز مردم را به دلخواه خود راه می بردند. از این رو

احمد کسروی از مورخینی است که هر چند در مورد مشروطیت اصفهان صمیمیتی نداشته، ولی در فحوای حملات قلمی وی بخوبی می توان تفاوت دو برداشت از مشروطیت را دریافت یکی برداشت سکولاریستی و دیگری برداشت دینی: «چنانکه گفته ایم جنبش مشروطه خواهی در



مرحوم حاج آقا نورالله در سنین جوانی نفر دوم از سمت راست



آذربایجان ختمها درچیدند و سوگواریها کردند. لیکن سپس چون داستان ماکو پیش آمد، دیگر در جایی به ختم گذاردن و سوگواری کردن نپرداختند و نایستی پردازند مگر در اسپهان، که به دستور ملایان چند روز بازار را بستند و به یک نمایشهای ناستوده و بیهوده برخاستند.^۱»

کسروی ضمن حمله به روند مشروطیت اصفهان این چنین گزارش می‌دهد:

«در یکی از روزنامه‌های تهران در آن روزها، تکه‌ای در باره اسپهان نوشته که چون نمونه یکی از نمایشهای بیهوده برخی شهرها و نشان هوسبازی ملایان می‌باشد آن را در اینجا می‌آوریم: «چند روز قبل جناب آقای ثقة الاسلام حاجی آقا نورالله تشریف برده بودند در سده به جهت تمشیت مجلس، شخصی از آقایان محترم آنجا خواب دیده بودند حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) را که خلاصه خواب این است که حضرت به آن آقا فرموده بودند: فرزند به

مردم بگو مجلس مشروطه را یاری کنید. به هر حال آقا خواب خود را به مردم سده فرموده بودند از قرار مذکور هفت صد نفر از جوانهای رشید سده اسم خود را ثبت داده‌اند که لباس مخصوص بپوشند با نشان مجلس، سربازهای فدایی مجلس بوده باشند. و فعلاً در تهیه نشان ساختن هستند. و نیز از قرار مذکور روی نشانهای آنها نوشته است: سرباز فدوی مجلس مقدس. و هر پنجاه نفر یک رییس برای خود معین نموده‌اند و روی نشان آنها این شعر نوشته شده:

فدای مجلس ملی و حکم نورالله اقول اشهد
ان لا اله الا الله.^۲

بطالان تعصبات سکولاریستی احمد کسروی
علیرغم آنکه احمد کسروی ضمن ستایشهای تعصب آلود نسبت به آذربایجان و مدح و ثنای هر چه آنجا گفته شده و انجام یافته، نتوانسته و حقایق تاریخی به او این اجازه را نمی‌داده که نقش اساسی تفکر و جنبازی اصفهان و بختیاری

را در سرنوشت مشروطیت نادیده انگارد. اما از لحاظ روند مذاکرات و نحوه شکل‌گیری انجمن ملی در اصفهان و محتوای مذاکرات بخوبی می‌توان میزان پایبندی اصفهانیان را به اصول مشروطیت صحیح دانست. و بخصوص حساسیت بجای آنان را به خاطر دفع دسایس و نفوذ عوامل استعمار ستود. حساسیت و آگاهی که فقدان آن آگاهی در برخی مناطق ایران بخصوص پایتخت برای سرنوشت مشروطیت فاجعه بار بوده است. اما ملاک دیگری که در میزان رشد فکری و درجه آگاهی سیاسی شهرها و انجمنها نسبت به مشروطیت می‌تواند ملاک قرار گیرد، مسأله میزان کمی و کیفی مطبوعات و مباحث مطروحه روزنامه‌هاست. در مشروطیت حاج آقانورالله یا به قول کسروی «مشروطه ملاحا» روند مطبوعات اصفهان و میزان آگاهی آنها به قدری عمیق بوده است که در فرصتی دیگر به آن پرداخته می‌شود.